

### متن پرسش

سلام علیکم: استاد در مورد افرادی نظیر آقای میر باقری که بدون امتحان و سابقه حضور در خبرگان تایید صلاحیت شدند، اطلاع و نظری ندارین، تبدیل شده به ابزاری برای ادعا کنن رفتار شورای نگهبان تبعیض آمیز بوده، دیگه این که استاد به نظرم واضحه که ذائقه اکثریت مردم هم به تبع بعضی مسوولین، از انقلاب اسلامی داره به سوی جمهوری اسلامی تغییر میکنه، و در چنین شرایطی اگر ظهور اتفاق نیفته قطعاً انقلاب به محاق خواهد رفت، تا اونجایی که من اطلاع دارم ظاهراً نقش یمنی ها در اتفاقات قبل از ظهور پررنگ تر از ایرانیهاست، آیا این نشانه ای از قرار گرفتن انقلاب و آرمانهایش در سراسیمی سقوط نیست؟ این افکار داره بنده را آزار میده.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- با توجه به سخنان آیت‌الله مومن که فرمودند باید اجتهاد نامزدهای خبرگان برای فقهای شورای نگهبان احراز شود، حال این شناخت می‌تواند با شناختی که از افراد دارند محقق شود و یا با امتحان و با توجه به درس خارج آیت‌الله میرباقری که درس قدرت‌مندی است چه در زمینه‌ی درس‌های مرسوم فقهی حوزه و چه در زمینه‌ی فقه حکومتی از آن جهت که اجتهاد ایشان برای اعضای شورای نگهبان احراز شده‌است، نمی‌توان به آن‌ها اشکال گرفت. ۲- در مورد تغییر ذائقه‌ی مردم، نباید عجله کرد؛ مردم نسبت خود را با انقلاب طوری تعریف کرده‌اند که غیر از نسبت آن‌ها است با مسائل سیاسی و اجرایی کشور و لذا وقتی تمدنی محقق می‌شود که «علم» و «فرهنگ» و «تاریخ» در یگانگی کامل در کنار هم قرار گیرند و ما سال‌ها است از جدایی این سه مقوله رنج می‌بریم و به نظر می‌آید با ظهور انقلاب اسلامی، زمینه‌ی یگانگی این سه، ذیل فهم جایگاه تاریخی انقلاب اسلامی فراهم شده است تا به جای ادامه‌ی عقلی که تنها با مفاهیم سر و کار دارد، علمی دنبال شود که در این تاریخ به کار می‌آید و عقل مفهومی خود را در خدمت شرایط جدید تاریخی قرار گیرد؛ که روح انقلاب اسلامی متذکر آن است. این علم لازم نیست ادامه‌ی تجدد باشد ولی برگشت به گذشته هم نیست و با درک تاریخی که در آن هستیم شکل می‌گیرد و در کنار آن، فرهنگ مناسب این تاریخ به صحنه می‌آید. اگر درک درستی از تاریخی که در آن هستیم پیدا شود و بفهمیم با انقلاب اسلامی، تاریخ دیگری که ادامه‌ی غرب نیست، برای ما مقدر شده و با دقت در معادلات زمانه متوجه باشیم افق آینده‌ی ما در این میدان روشن است؛ در این حالت «تفکر» ظهور می‌کند و توانایی‌ها به صحنه می‌آید، زیرا هر جا «تفکر» نیست، توانایی هم نیست. یعنی «تفکر» و «توانایی» با هم‌اند. وقتی «تفکر» نیست، مجال

افراط و تفریط و دست و پا زدن فراهم می‌شود و آینده را تیره و تار می‌کند و جان‌ها پژمرده و خرده‌ها، افسرده و علیل می‌نماید. با توجه به این امر، وظیفه‌ی ما برای برگرداندن تفکر به جامعه سنگین می‌شود. موفق باشید